شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

تمدن حقوقی

دوره ۸ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۴

تحلیل مسئولیت بانک گشاینده در حقوق اعتبارات اسنادی
همایون مافی، محسن رئیسی
نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیندهای تحقیق کیفری و تحلیل شواهد دیجیتال در نظام حقوقی ایران
امیررضا محمودی، زهرا رهنما
شیوه طرح دعاوی گروهی و نحوه اجرای احکام آن
رحیم مختاری، علی سلطانی شیرزاده
بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیت‌های تعدیل در حقوق ایران
شیما شکوری بلقور، قاسم نبی زاده کبریا
آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم بغی، محاربه و افساد فی‌الارض در پرتو مفهوم امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور
روح الله شیخی، محمد محمودی
چهارچوب مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های تفریحی پرخطر؛ مطالعه اتاق‌های فرار
رحیم مختاری، غلامحسین کشاورز
دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران
سیدمحمدباقر حقایقی، محمدرضا نصیری، امیرحسن ابوالحسنی
مسئولیت سازندگان ساختمان و حقوق مجاورین ناشی از آلودگی صوتی ساخت‌وسازها
رحیم مختاری، نازنین زهرا جوکار
تحلیل جرم‌شناختی جرایم حوزه رمزارزها: مطالعه کلاهبرداری‌های رایج در ایران
حسین محمودی تکانلو، رویا آسیایی
راهبردهای پیشگیرانه از جرم رانت خواری در سیاست کیفری ایران با تاکید بر چالش ها و خلاءهای جرم شناختی
فاضل موحدی، حمیدرضا کناری زاده، داود سلمانپور
واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی
حسن پیرفلک لسکوکلایه، طیبه قدرتی سیاهمزگی
توافق طرفین قرارداد در تعیین ادله اثبات دعوا
حبیب اله عبداله پور، مهدی شجاعی
عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران
ایرج مروتی، نغمه فرهود
توافق طرفین در ارجاع دعوی به داوری در مرحله تجدیدنظر
رحیم مختاری، زهرا عمادی
مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم
مسعود سرفرازی صالح، مهدی قره داغی
پایان حکمرانی متمرکز: تحلیل ظهور حکمرانی غیرمتمرکز در عصر بلاکچین و قراردادهای هوشمند
هادی زارع، مجید وزیری
تحلیل تطبیقی حمایت‌های جبرانی تأمین اجتماعی در قبال خسارت بدنی و دامنه شمول زیان‌دیدگان در ایران و انگلستان
زینب تاری
مسئولیت سازنده و حقوق مجاورین ناشی از به کارگیری جرثقیل های برجی
رحیم مختاری، احسان یوسفی
انتقال دعاوی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مقررات و ماده‌های منتخب قانون ثبت اسناد و املاک
امیررضا علی تبار
جایگاه هوش مصنوعی در پهنه سیاستگذاری جنایی
محبوبه طالبی رستمی
تعهد به ایمن‌سازی داده‌ها به‌عنوان تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله در حقوق خصوصی
سیدامیرحسن مصطفوی
مسئولیت کیفری شرکت‌های فناوری در قبال جرائم ارتکابی کاربران
وحید کیومرثی
مسئولیت مدنی ناشی از پردازش خودکار داده های شخصی توسط هوش مصنوعی در حقوق ایران و افغانستان (با نگاهی به اسناد بین المللی)
راضیه جعفرزاده، وحید حمیدی، محمدرضا رشید
بررسی تأثیر آگاهی حقوقی و شفافیت در پیشگیری و کاهش فساد اداری و مالی
سیده مهشید میری بالاجورشری
مالکیت داده های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی
سینا یوسفی
مسئولیت مدنی پزشک و سازنده ربات در جراحی‌های رباتیک نظام های حقوقی ایران و انگلستان
رحیم مختاری، ابراهیم شیروانی
تحلیلی بر مسئله أخذ خسارت تأخیر تادیه از محکوم به دولتی
محمدمهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی
آثار حقوقی و اداری تملک بر وضعیت ثبتی املاک در نظام حقوقی ایران
احسانه وثوقی منفرد، محمد وارسته بازقلعه
دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی
رادمهر رحمانی گل افشان
پذیرش تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی در بانکداری: نقش اعتماد، شفافیت و ادراک انصاف در موسسات مالی در ایران، امارات متحده عربی و قطر
عبدالمجید یوسفی
رویکرد رویه قضایی در ترمیم دادرسی از طریق اضافه کردن اشخاص به دادرسی
رحیم مختاری، سعید شیروانی
جرم‌شناسی جنگ در واقعیت‌های کنونی و لزوم توسعه آن در اوکراین
یاسر شاکری

Legal Civilization
Vol. 8, No. 26, Winter 2026
Pages: 323-362
Article Type: Original Research
https://www.pzhfars.ir/article_238744.html
doi: 10.22034/lc.2026.523379.1635

تمدن حقوقی
دوره ۸، شماره ۲۶، زمستان ۱۴۰۴
صفحات: ۳۶۲-۳۲۳
نوع مقاله: پژوهشی

The Responsibility of Governments in Relation to International Terrorism and Counter-Terrorism Diplomacy

Masoud Sarfarazi Saleh
Master of Arts in International Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Mahdi Gharedaqi
Master of Arts in International Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Abstract

This article provides a comprehensive examination of the legal responsibility of states concerning international terrorism and the dimensions of counter-terrorism diplomacy. Recognizing the growing threat of terrorism to international peace and security, the research analyzes the international legal framework, including United Nations conventions, Security Council resolutions, and the principles of international law governing states' obligations. States' general obligations to prevent terrorist acts and refrain from supporting terrorist groups, as well as their specific obligations regarding judicial cooperation, extradition of offenders, and reporting to international bodies, are scrutinized. The paper also addresses existing legal mechanisms for countering terrorism, including the role of the UN Counter-Terrorism Committee, cooperation with Interpol, and the functioning of international and regional courts, such as the International Criminal Court. Major challenges, such as the lack of a unified international definition of "terrorism," the difficulty of proving state responsibility for supporting terrorism, and conflicts of jurisdiction between national and international courts, are examined in detail. Case studies, including the Nicaragua v. United States case at the International Court of Justice and an examination of aspects of Iran's performance in implementing international obligations, further illuminate the practical dimensions of these challenges. Finally, by offering recommendations to strengthen the legal framework – including formulating a unified definition of terrorism, establishing a more effective monitoring system, expanding the International Criminal Court's jurisdiction to terrorist crimes, and facilitating the extradition of criminals – this research emphasizes the necessity of balancing state sovereignty with collective counter-terrorism obligations. The article's main conclusion is that a multilateral approach, based on the rule of law and full respect for human rights, is indispensable for an effective and sustainable response to international terrorism

Keywords: International Terrorism, State Responsibility, Counter-Terrorism Diplomacy.

Received: 2025/12/26 - Review: 2026/02/15 - Accepted: 2026/03/11

مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم

مسعود سرفرازی صالح
کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

msarfarazisaleh@gmail.com
http://orcid.org/0009-0004-6911-7722

مهدی قره داغی
کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

mahdigharedaqi@gmail.com
http://orcid.org/0009-0002-1122-0298

چکیده

این پژوهش به بررسی جامع مسئولیت حقوقی دولت‌ها در قبال پدیده تروریسم بین‌المللی و ابعاد دیپلماسی ضدتروریسم می‌پردازد. با اذعان به تهدید فزاینده تروریسم برای صلح و امنیت بین‌المللی، پژوهش حاضر چهارچوب حقوقی بین‌المللی، شامل کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های شورای امنیت و اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر تعهدات دولت‌ها را تحلیل می‌کند. تعهدات عام دولت‌ها در پیشگیری از اقدامات تروریستی و عدم حمایت از گروه‌های تروریستی و همچنین تعهدات خاص آن‌ها در زمینه همکاری قضایی، استرداد مجرمین و گزارش‌دهی به نهادهای بین‌المللی مورد واکاوی قرار گرفته است. پژوهش همچنین به سازوکارهای حقوقی موجود برای مقابله با تروریسم، از جمله نقش کمیته ضدتروریسم سازمان ملل متحد، همکاری با اینترپل و عملکرد محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای، مانند دیوان کیفری بین‌المللی می‌پردازد. چالش‌های عمده‌ای نظیر فقدان تعریف واحد از «تروریسم» در سطح بین‌المللی، دشواری اثبات مسئولیت دولت‌ها در حمایت از تروریسم و تعارض صلاحیت میان محاکم ملی و بین‌المللی به تفصیل بررسی شده‌اند. با استفاده از مطالعات موردی، از جمله پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده امریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری و بررسی جنبه‌هایی از عملکرد ایران در اجرای تعهدات بین‌المللی، ابعاد عملی این چالش‌ها روشن‌تر می‌شود. در نهایت، این پژوهش با ارائه پیشنهاداتی برای تقویت چهارچوب حقوقی، شامل تدوین تعریف واحد از تروریسم، ایجاد سامانه نظارتی کارآمدتر، گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به جرائم تروریستی و تسهیل استرداد مجرمان، بر ضرورت توازن میان اصل حاکمیت دولت‌ها و تعهدات جمعی ضدتروریسم تأکید می‌ورزد. نتیجه‌گیری اصلی پژوهش آن است که یک رویکرد چندجانبه، مبتنی‌بر حاکمیت قانون و با رعایت کامل موازین حقوق بشر، برای مقابله مؤثر و پایدار با تروریسم بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی: تروریسم بین‌المللی، مسئولیت دولت‌ها، دیپلماسی ضدتروریسم.

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵ –بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ –پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

ارجاع:
سرفرازی صالح، مسعود؛ قره داغی، مهدی؛ (۱۴۰۴)، مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم، شماره ۲۶.

Copyrights:
Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

CC BY-NC-SA

مقدمه

گسترش فزاینده پدیده تروریسم در ابعاد فراملی و بین‌المللی طی دهه‌های اخیر، جامعه جهانی را با چالش‌های امنیتی، سیاسی و حقوقی بی‌سابقه‌ای مواجه ساخته است. این پدیده که با توسل به خشونت سازمان‌یافته و ارعاب، اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک را دنبال می‌کند، نه‌تنها صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌افکند، بلکه حقوق بنیادین افراد و حاکمیت دولت‌ها را نیزبه‌طور جدی تهدید می‌نماید. در این میان، پاسخ نظام حقوق بین‌الملل به این تهدید، مجموعه‌ای از تعهدات و مسئولیت‌ها را برای دولت‌ها، به‌عنوان تابعان اصلی این نظام، ایجاد کرده است. این تعهدات، طیف وسیعی از اقدامات، از پیشگیری و مقابله با اقدامات تروریستی گرفته تا همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌شناسایی، استرداد و محاکمه عاملان این اقدامات را شامل می‌شود. بااین‌حال، اجرای مؤثر این تعهدات در عمل با موانع و چالش‌های متعددی، از جمله فقدان تعریف جامع و جهان‌شمول از تروریسم، تعارض میان اصل حاکمیت دولت‌ها و ضرورت همکاری‌های فرامرزی و همچنین پیچیدگی‌های اثبات مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات گروه‌های تروریستی، روبرو است.

پژوهش حاضر در صدد است تا با بررسی چهارچوب حقوقی بین‌المللی موجود، به تبیین مسئولیت

دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و واکاوی ابعاد مختلف دیپلماسی ضدتروریسم بپردازد. در این راستا، تلاش می‌شود تا ضمن‌شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی فعلی، راهکارهایی برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی و افزایش اثربخشی اقدامات ضدتروریسم ارائه گردد. این پژوهش همچنین به بررسی رویه قضایی بین‌المللی و عملکرد نهادهای ذیصلاح در این حوزه خواهد پرداخت تا تصویری روشن‌تر از چالش‌ها و چشم‌اندازهای پیش رو ترسیم نماید. با توجه به مسائل حقوقی مطروحه، هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل جامع تعهدات حقوقی دولت‌ها در پیشگیری و مقابله با تروریسم بین‌المللی و ارزیابی نقش دیپلماسی ضدتروریسم در تحقق این تعهدات است. این پژوهش در پی آن است تا با تکیه بر اسناد بین‌المللی، رویه قضایی و دکترین حقوقی، ابعاد مختلف مسئولیت دولت‌ها را در این حوزه روشن سازد.

به طور مشخص، اهداف این پژوهش عبارتند از: اول، تبیین دقیق تعهدات عام و خاص دولت‌ها در چهارچوب حقوق بین‌الملل برای پیشگیری از وقوع اقدامات تروریستی در قلمرو خود و جلوگیری از حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از گروه‌ها و افراد تروریست. این شامل بررسی تعهد به مراقبت لازم[1] و تعهد به عدم اجازه استفاده از سرزمین خود برای مقاصد مغایر با حقوق سایر دولت‌ها می‌شود. دوم، بررسی تعهدات دولت‌ها در زمینه مقابله با تروریسم پس از وقوع آن که شامل مواردی چون جرم‌انگاری اقدامات تروریستی در قوانین داخلی، تعقیب و محاکمه عاملان، همکاری‌های قضایی بین‌المللی نظیر استرداد مجرمین[2] و معاضدت قضایی[3] و همچنین گزارش‌دهی به نهادهای نظارتی بین‌المللی می‌شود. سوم، تحلیل چهارچوب حقوقی بین‌المللی ناظر بر مبارزه با تروریسم، با تمرکز بر کنوانسیون‌های کلیدی سازمان ملل متحد[4] و قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت[5] و ارزیابی میزان

1- due diligence obligation
2- extradition
3- mutual legal assistance
۴- به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۹۹ میلادی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم و کنوانسیون بین‌المللی مقابله با اعمال تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵ میلادی

اثربخشی آن ها. چهارم،شناسایی و تحلیل چالش‌ها و موانع حقوقی و عملی پیش روی اجرای مؤثر تعهدات ضدتروریسم، از جمله مسئله تعریف تروریسم، تعارض با حاکمیت ملی، دشواری اثبات مسئولیت دولت‌ها و چالش‌های مربوط به رعایت حقوق بشر در حین مبارزه با تروریسم. پنجم، بررسی نقش و عملکرد سازوکارهای بین‌المللی، از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی و کمیته ضدتروریسم شورای امنیت، در تفسیر و اجرای قواعد مربوط به مسئولیت دولت‌ها و مقابله با تروریسم. ششم، ارائه پیشنهادهای عملی برای تقویت چهارچوب حقوقی بین‌المللی و ارتقای همکاری‌های دیپلماتیک به منظور افزایش کارآمدی نظام بین‌المللی در پیشگیری و سرکوب تروریسم بین‌المللی، با تأکید بر ضرورت ایجاد توازن میان ملاحظات امنیتی و رعایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق بشر.

۱- تعریف مفاهیم کلیدی از منظر حقوق بین‌الملل

فهم دقیق مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی، مستلزم ارائه تعریفی روشن از مفاهیم بنیادین این حوزه از منظر حقوق بین‌الملل است. دو مفهوم کلیدی در این زمینه، «تروریسم بین‌المللی» و «مسئولیت دولت‌ها» هستند که هریک در اسناد و رویه‌های حقوقی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند. با وجود تلاش‌های متعدد جامعه جهانی برای ارائه یک تعریف جامع و مورد اتفاق از «تروریسم بین‌المللی»، این مفهوم همچنان یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در حقوق بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود.

کنوانسیون بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم، مصوب ۱۹۹۹ میلادی سازمان ملل متحد[۶]، در ماده ۲، بند اول، فقره ب، عملی را تروریستی تلقی می‌کند که به قصد کشتن یا ورود آسیب جدی بدنی به یک غیرنظامی یا هر شخص دیگری که در درگیری مسلحانه مشارکت فعال ندارد، انجام شود، هنگامی که هدف از این عمل، به واسطه ماهیت یا زمینه‌اش، ارعاب یک جمعیت یا

۵- مانند قطعنامه‌های ۱۳۷۳، ۱۵۴۰ و ۲۱۷۸

6- International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999

وادار کردن یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام کاری باشد. این تعریف، اگرچه بر عناصر کلیدی مانند قصد، هدف و قربانیان تمرکز دارد، اما تمامی ابعاد تروریسم بین‌المللی را پوشش نمی‌دهد و بیشتر بر جنبه تأمین مالی آن متمرکز است.

سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز هریک به جنبه‌های خاصی از اقدامات تروریستی پرداخته‌اند، مانند کنوانسیون راجع به جرائم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما[۷]، کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین دیپلماتیک ۱۹۷۳ میلادی و کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری ۱۹۷۹ میلادی.

این رویکردبخشی[۸] در تعریف تروریسم، منجر به ایجاد مجموعه‌ای از اسناد شده است که هر کدام تنها بخشی از پازل تروریسم را پوشش می‌دهند و از ارائه یک تصویر کامل و یکپارچه بازمانده‌اند (Saul,2024,45). فقدان یک تعریف واحد و جهان‌شمول، پیامدهای حقوقی قابل توجهی به دنبال دارد، از جمله ایجاد موانع در همکاری‌های قضایی بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه استرداد مجرمین و همچنین احتمال سوءاستفاده از این عنوان برای مقاصد سیاسی (Byers,2022,115). برخی از محققان معتقدند که این خلاء تعریفی، عمدی بوده و ناشی از اختلافات سیاسی عمیق میان دولت‌ها بر سر مصادیق تروریسم، به‌ویژه در زمینه تفکیک آن از مبارزات مشروع برای تعیین سرنوشت، است (Ganor,2023,33).

مفهوم بنیادین دیگر، مسئولیت دولت‌ها[۹] است که در حقوق بین‌الملل به معنای پاسخگویی دولت‌ها در قبال اعمال و ترک فعل‌های متخلفانه‌ای است که قابل انتساب به آن ها بوده و ناقض تعهدات بین‌المللی‌شان باشد. طرح مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی[۱۰] که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد تدوین شده وبه‌طور گسترده‌ای به‌عنوان بازتابی از حقوق

۷- کنوانسیون توکیو ۱۹۶۳ میلادی

8- sectoral approach

9- State Responsibility

10- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001

بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است، چهارچوب اصلی این مفهوم را تبیین می‌کند. مطابق ماده ۲ این طرح، یک عمل متخلفانه بین‌المللی توسط یک دولت زمانی محقق می‌شود که رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل: الف- بر طبق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد؛ ب- نقض یک تعهد بین‌المللی آن دولت را تشکیل دهد.[11] این تعریف، دو عنصر اساسی را برای احراز مسئولیت بین‌المللی دولت برمی‌شمرد: قابلیت انتساب عمل به دولت و نقض تعهد بین‌المللی[12] در زمینه مبارزه با تروریسم. مسئولیت دولت‌ها می‌تواند ناشی از نقض تعهدات متعددی باشد، از جمله تعهد به پیشگیری از استفاده از قلمرو خود برای ارتکاب اقدامات تروریستی علیه سایر دولت‌ها، تعهد به عدم حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از گروه‌های تروریستی و تعهد به همکاری با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جهت سرکوب تروریسم (Crawford,2012,250).

بنابراین، درک دقیق این دو مفهوم و ارتباط متقابل آن‌ها، سنگ بنای تحلیل حقوقی مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی است. چالش اصلی در این زمینه، تعیین دقیق حدود تعهدات دولت‌ها، به‌ویژه تعهد به سعی و تلاش در پیشگیری از اقدامات تروریستی توسط بازیگران غیردولتی و همچنین معیارهای انتساب مسئولیت به دولت در مواردی است که ارتباط مستقیمی با گروه‌های تروریستی ندارد اما در انجام وظایف خود در مقابله با آن‌ها کوتاهی کرده است (Cassese,2013,189).

۲- بیان مسئله حقوقی

مسئله حقوقی محوری در این پژوهش، بررسی ابعاد و چالش‌های مسئولیت دولت‌ها در پیشگیری و مقابله با تروریسم بین‌المللی در چهارچوب نظام حقوقی و دیپلماتیک موجود است. این مسئله در دو سطح عمده قابل طرح می‌باشد: نخست، تعارض بالقوه میان اصل بنیادین حاکمیت دولت‌ها[13] و تعهدات بین‌المللی فزاینده آن‌ها در مبارزه با تروریسم. اصل حاکمیت که در ماده ۲، بند هفتم منشور

11- nternational Law Commission, 2001, Art. 2
12- breach of an international obligation
13- state sovereignty

ملل متحد[۱۴] تحت عنوان اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها تجلی یافته است، به دولت‌ها اختیار انحصاری برای اداره امور داخلی و اعمال صلاحیت در قلمرو خود اعطاء می‌کند. بااین‌حال، ماهیت فرامرزی تروریسم بین‌المللی و ضرورت همکاری‌های گسترده برای مقابله مؤثر با آن، ایجاب می‌کند که دولت‌ها بخشی از اختیارات حاکمیتی خود را در راستای منافع جمعی جامعه بین‌المللی محدود یا تعدیل نمایند. این امر، به‌ویژه در مواردی مانند استرداد مجرمین، مسدود کردن دارایی‌های گروه‌های تروریستی و اجازه تحقیقات فرامرزی، می‌تواند به تنش‌هایی میان ادعاهای حاکمیتی و الزامات همکاری بین‌المللی منجر شود (Glennon,2021,77).

برای مثال، قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت، مانند قطعنامه ۱۳۷۳ در سال ۲۰۰۱ میلادی[۱۵]، تعهدات گسترده‌ای را بر تمامی دولت‌های عضو در زمینه جرم‌انگاری اقدامات تروریستی، جلوگیری از تأمین مالی تروریسم و همکاری در تبادل اطلاعات تحمیل می‌کند که اجرای آن‌ها مستلزم اقدامات تقنینی و اجرایی در سطح ملی است و می‌تواند به‌عنوان مداخله در صلاحیت‌های داخلی دولت‌ها تلقی گردد. پرسش اساسی در این جا این است که چگونه می‌توان میان احترام به حاکمیت ملی و ضرورت اقدام جمعی برای مقابله با تهدیدی جهانی مانند تروریسم، توازن برقرار کرد؟ آیا تعهدات ضدتروریسم به حدی گسترش یافته‌اند که مفهوم سنتی حاکمیت را به چالش کشیده‌اند یا این که همچنان حاکمیت به‌عنوان یک سپر دفاعی در برابر اجرای کامل این تعهدات عمل می‌کند؟ (Chesterman,2022,55).

دوم، خلأها و ابهامات حقوقی موجود در تعریف یکسان و مورد اتفاق از «تروریسم» در اسناد بین‌المللی، مانع جدی دیگری بر سر راه مبارزه هماهنگ و مؤثر با این پدیده است. جامعه بین‌المللی تاکنون نتوانسته است بر سر یک تعریف جامع از تروریسم به توافق برسد. این فقدان اجماع، ریشه در اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک کشورها، به‌ویژه در مورد تمایز میان اقدامات تروریستی و مبارزات مشروع آزادی‌بخش ملی [۱۶] دارد. برخی دولت‌ها و گروه‌ها، اعمال خشونت‌آمیز خاصی را که از سوی

14- Charter of the United Nations, 1945, Art. 2 (7)
15- UN Security Council Resolution 1373, 2001
16- national liberation movements

دیگران تروریستی تلقی می‌شود، به‌عنوان بخشی از مبارزه برای حق تعیین سرنوشت[۱۷] توجیه می‌کنند (Becker,2023,201).

این اختلاف دیدگاه، نه‌تنها تدوین یک کنوانسیون جامع بین‌المللی علیه تروریسم را با مشکل مواجه ساخته، بلکه اجرای کنوانسیون‌های بخشی موجود و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در زمینه استرداد و محاکمه تروریست‌ها را نیز پیچیده می‌کند. وقتی دولت‌ها در مورد این که چه عملی تروریسم محسوب می‌شود، اتفاق نظر نداشته باشند، چگونه می‌توان انتظار داشت که در مقابله با آنبه‌طور هماهنگ عمل کنند؟ (Schmitt,2022,88).

این خلأ تعریفی، همچنین زمینه را برای اعمال استانداردهای دوگانه و استفاده ابزاری از اتهام تروریسم علیه مخالفان سیاسی فراهم می‌آورد و می‌تواند به تضعیف مشروعیت تلاش‌های بین‌المللی ضدتروریسم منجر شود. در نتیجه، یکی از مسائل حقوقی اساسی، بررسی پیامدهای این خلأ تعریفی بر کارآمدی نظام حقوق بین‌الملل در مقابله با تروریسم و ارزیابی تلاش‌های صورت گرفته برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها و دستیابی به یک فهم مشترک از این پدیده است. این پژوهش باید به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان بر این چالش‌ها فائق آمد و آیا راهکارهای عملی برای ایجاد یک چهارچوب حقوقی منسجم‌تر و کارآمدتر وجود دارد یا خیر؟

۳- چهارچوب حقوقی بین‌المللی

نظام حقوق بین‌الملل در پاسخ به تهدید فزاینده تروریسم بین‌المللی، مجموعه‌ای از اسناد، اصول و رویه‌های قضایی را توسعه داده است که چهارچوب حقوقی حاکم بر تعهدات و مسئولیت‌های دولت‌ها را در این حوزه تشکیل می‌دهند. این چهارچوب، اگرچه در حال تحول و تکامل مستمر است، اما مبنای اصلی اقدامات بین‌المللی برای پیشگیری، مقابله و سرکوب تروریسم به شمار می‌رود. درک صحیح این چهارچوب، مستلزم بررسی دقیق اجزای تشکیل‌دهنده آن، یعنی اسناد بین‌المللی

17- right to self-determination

مرتبط، اصول حقوقی بنیادین حاکم و همچنین رویه‌های قضایی بین‌المللی است که به تفسیر و اجرای این قواعد کمک کرده‌اند.

این بخش به تفصیل به واکاوی هریک از این اجزا خواهد پرداخت و نشان خواهد داد که چگونه این عناصر در کنار یکدیگر، یک شبکه پیچیده اما ضروری از تعهدات را برای دولت‌ها ایجاد کرده‌اند تا به مقابله با یکی از جدی‌ترین تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی بپردازند. بااین‌حال، همان‌طور که بررسی خواهد شد، این چهارچوب خالی از ابهام، چالش و خلأ نیست و همین موارد، موضوع بحث‌های حقوقی گسترده‌ای در سطح بین‌المللی است.

۳-۱- اسناد بین‌المللی مرتبط

اسناد بین‌المللی، به‌ویژه معاهدات و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، ستون فقرات چهارچوب حقوقی بین‌المللی ضدتروریسم را تشکیل می‌دهند. این اسناد، طیف وسیعی از تعهدات را برای دولت‌ها در زمینه‌های مختلف، از جرم‌انگاری اقدامات خاص تروریستی گرفته تا همکاری‌های بین‌المللی و جلوگیری از تأمین مالی تروریسم، ایجاد کرده‌اند. در میان این اسناد، کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های شورای امنیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مجموعه‌ای از کنوانسیون‌های بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی آن به تصویب رسیده است که به مقابله با جنبه‌های مختلف تروریسم می‌پردازند. این کنوانسیون‌ها که اغلب به‌عنوان کنوانسیون‌های بخشی[۱۸] شناخته می‌شوند، هریک به جرم‌انگاری و مقابله با نوع خاصی از اقدامات تروریستی اختصاص دارند. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ میلادی[۱۹] و کنوانسیون بین‌المللی برای مقابله با اعمال تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵ میلادی[۲۰] اشاره کرد.

18- sectoral conventions
19- nternational Convention for the Suppression of the Financing of Terroris, 1999
20- International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, 2005

کنوانسیون بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ میلادی، دولت‌های عضو را ملزم می‌کند تا تأمین مالی اقدامات تروریستی را به‌عنوان یک جرم کیفری در قوانین داخلی خودشناسایی کرده و اقدامات لازم را برای‌شناسایی، مسدودسازی و مصادره وجوه و دارایی‌های مرتبط با تروریسم اتخاذ نمایند.[۲۱] این کنوانسیون همچنین بر اهمیت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تحقیقات، استرداد و معاضدت قضایی در ارتباط با جرائم تأمین مالی تروریسم تأکید دارد. کنوانسیون بین‌المللی برای مقابله با اعمال تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵ میلادی نیز با هدف جلوگیری از دستیابی تروریست‌ها به مواد هسته‌ای و رادیواکتیو و مقابله با تهدیدات ناشی از تروریسم هسته‌ای، تعهداتی را برای دولت‌های عضو در زمینه جرم‌انگاری، پیشگیری و همکاری‌های بین‌المللی ایجاد می‌کند.[۲۲]

علاوه بر این دو، کنوانسیون‌های دیگری نیز وجود دارند که به مقابله با هواپیماربایی، گروگان‌گیری، بمب‌گذاری‌های تروریستی و سایر اشکال خاص تروریسم می‌پردازند. با وجود اهمیت این کنوانسیون‌های بخشی، فقدان یک کنوانسیون جامع بین‌المللی علیه تروریسم[۲۳] که تعریف واحد و مورد اتفاقی از تروریسم ارائه دهد و تمامی ابعاد آن را پوشش دهد، همچنان یکی از نقاط ضعف عمده در چهارچوب حقوقی موجود به شمار می‌رود. تلاش‌ها برای تدوین چنین کنوانسیونی سال‌هاست که در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد ادامه دارد، اما به دلیل اختلافات سیاسی میان دولت‌ها، به‌ویژه در مورد تفکیک تروریسم از مبارزات مشروع برای تعیین سرنوشت، تاکنون به نتیجه نرسیده است (Cortright&Lopez,2023,115).

در کنار کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌ویژه آن دسته از قطعنامه‌هایی که تحت فصل هفتم منشور ملل متحد[۲۴] صادر شده‌اند، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به تعهدات دولت‌ها در مبارزه با تروریسم ایفاء کرده‌اند. این قطعنامه‌ها، به دلیل ماهیت الزام‌آور خود

21- United Nations, 1999, Arts. 2, 8
22- United Nations, 2005, Arts. 2, 7
23- comprehensive convention on international terrorism
24- Chapter VII of the UN Charter

برای تمامی دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، ابزاری قدرتمند برای ایجاد هنجارهای جهانی و هماهنگ‌سازی اقدامات بین‌المللی بوده‌اند.

قطعنامه شماره ۱۳۶۸[۲۵] که بلافاصله پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی به تصویب رسید، ضمن محکومیت شدید این حملات، تروریسم بین‌المللی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی اعلام کرد و بر آمادگی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اتخاذ تمامی اقدامات لازم برای پاسخ به این حملات تأکید نمود. این قطعنامه، زمینه را برای اقدامات بعدی شورای امنیت سازمان ملل متحد، از جمله صدور قطعنامه شماره ۱۳۷۳ که یکی از جامع‌ترین و تأثیرگذارترین قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه مبارزه با تروریسم است فراهم نمود که مجموعه‌ای از تعهدات گسترده را بر تمامی دولت‌ها تحمیل می‌کند. این تعهدات شامل جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، مسدود کردن فوری وجوه و دارایی‌های افراد و نهادهای مرتبط با تروریسم، جلوگیری از فعالیت و پناه دادن به تروریست‌ها، همکاری در تحقیقات و مبادله اطلاعات عملیاتی و پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدتروریسم می‌شود. این قطعنامه همچنین منجر به تأسیس کمیته ضدتروریسم شورای امنیت شد که وظیفه نظارت بر اجرای این قطعنامه توسط دولت‌های عضو را بر عهده دارد (Heupel,2025,78).

قطعنامه شماره ۲۱۷۸ نیز در پاسخ به پدیده جنگجویان تروریست خارجی[۲۶] به تصویب رسید و دولت‌ها را ملزم کرد تا اقدامات لازم را برای جلوگیری از سفر اتباع خود به خارج برای پیوستن به گروه‌های تروریستی و همچنین برای مقابله با تهدید ناشی از بازگشت این افراد، اتخاذ نمایند. این قطعنامه‌ها، با وجود نقش مهمی که در تقویت همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد یک چهارچوب هنجاری منسجم داشته‌اند، گاهی به دلیل تحمیل تعهدات گسترده بدون مشارکت مستقیم تمامی دولت‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری و همچنین نگرانی‌هایی در مورد تأثیر آن‌ها بر حاکمیت ملی و حقوق بشر، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (Foley,2023,150).

25- UN Security Council Resolution 1368, 2001
26- foreign terrorist fighters

۳-۲- اصول حقوقی حاکم

علاوه بر اسناد خاص مرتبط با تروریسم، مجموعه‌ای از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل نیز بر تعهدات و مسئولیت‌های دولت‌ها در این حوزه حاکمیت دارند. این اصول که اغلب در منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی ریشه دارند، چهارچوب کلی‌تری را برای تفسیر و اجرای قواعد خاص ضدتروریسم فراهم می‌کنند. دو اصل از این میان، یعنی اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها و اصل تعهد دولت‌ها به همکاری بین‌المللی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها[۲۷] که در ماده ۲، بند هفتم منشور ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است، یکی از پایه‌های اساسی نظام حقوق بین‌الملل و حافظ حاکمیت و استقلال دولت‌ها است. بر اساس این اصل، هیچ دولتی یا سازمان بین‌المللی حق ندارد در اموری که اساساً در صلاحیت داخلی یک دولت قرار دارد، مداخله نماید. بااین‌حال، این اصل مطلق نیست و با تعهدات بین‌المللی دولت‌ها، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، محدود می‌شود. در زمینه مبارزه با تروریسم، این اصل گاهی به‌عنوان مانعی در برابر همکاری‌های فرامرزی یا اجرای کامل تعهدات بین‌المللی مطرح می‌شود. برخی دولت‌ها ممکن است با استناد به این اصل، از ارائه اطلاعات، استرداد مجرمین، یا اجازه تحقیقات توسط نهادهای خارجی در قلمرو خود امتناع ورزند. بااین‌حال، رویه بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت، به‌ویژه قطعنامه شماره ۱۳۷۳، نشان می‌دهد که تعهد به مبارزه با تروریسم به‌عنوان یک تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند محدودیت‌هایی را بر اصل عدم مداخله وارد آورد (Walter,2021,305).

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضایای مختلف، از جمله قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن[۲۸] به تفسیر این اصل پرداخته و تأکید کرده است که حمایت فعال از گروه‌های مسلح یا تروریستی که علیه دولت دیگری فعالیت می‌کنند، نقض اصل عدم مداخله و

27- principle of non-intervention in the domestic affairs of states
28- Nicaragua v. United

همچنین نقض اصل منع توسل به زور محسوب می‌شود. بنابراین، دولت‌ها نه‌تنها ملزم به عدم مداخله در امور یکدیگر هستند، بلکه تعهد دارند که اجازه ندهند قلمروشان برای اقداماتی که حقوق سایر دولت‌ها را نقض می‌کند، از جمله اقدامات تروریستی، مورد استفاده قرار گیرد.

اصل تعهد دولت‌ها به همکاری بین‌المللی[۲۹] یکی دیگر از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است که در مقدمه و ماده ۱، بند سوم منشور ملل متحد و همچنین در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل ناظر بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها طبق منشور ملل متحد ۱۹۷۰ میلادی[۳۰] موردشناسایی و تأکید قرار گرفته است. این اصل ایجاب می‌کند که دولت‌ها در حل مسائل بین‌المللی با ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه و همچنین در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، با یکدیگر همکاری نمایند. در زمینه مبارزه با تروریسم که یک چالش جهانی و فرامرزی است، همکاری بین‌المللی نه‌تنها یک گزینه، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر است.

کنوانسیون بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ میلادی در مواد متعددی، از جمله ماده ۱۲ و ماده ۱۸، بر تعهد دولت‌های عضو به همکاری گسترده در زمینه پیشگیری از جرائم موضوع کنوانسیون، تحقیقات، استرداد و معاضدت قضایی تأکید می‌کند.[۳۱] به‌طور مشابه، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، مانند قطعنامه شماره ۱۳۷۳، دولت‌ها را به افزایش همکاری و هماهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای تقویت پاسخ جمعی به تروریسم فرا می‌خوانند. این همکاری‌ها می‌تواند شامل تبادل اطلاعات، همکاری‌های پلیسی و قضایی، اشتراک تجارب و بهترین عملکردها و ارائه کمک‌های فنی و آموزشی باشد (Rosand,2023,44). بااین‌حال، میزان و کیفیت همکاری‌های بین‌المللی در عمل، تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله ملاحظات سیاسی، فقدان اعتماد متقابل، تفاوت

29- principle of the duty of states to cooperate with one another
30- Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations, 1970
31- International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999, Arts. 12, 18

در نظام‌های حقوقی و کمبود ظرفیت در برخی کشورها قرار دارد.

۳-۳- رویه قضایی بین‌المللی

رویه قضایی بین‌المللی، شامل آرای دیوان بین‌المللی دادگستری[۳۲] و عملکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، نقش مهمی در تفسیر و توسعه قواعد حقوق بین‌الملل مرتبط با تروریسم و مسئولیت دولت‌ها ایفاء کرده است. اگرچه هیچ پرونده‌ای مستقیماً با عنوان «تروریسم بین‌المللی» به معنای مدرن آن در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نشده که منجر به یک تعریف جامع از آن شود، اما آرای دیوان در پرونده‌های مرتبط با استفاده از زور، عدم مداخله و حمایت از گروه‌های مسلح غیردولتی، اصول مهمی را برای ارزیابی مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات تروریستی ارائه داده‌اند.

در قضیه مربوط به فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن[۳۳]، دیوان بین‌المللی دادگستری به این نتیجه رسید که ارائه کمک مالی، تسلیحاتی، آموزشی و سایر اشکال حمایت به گروه‌های کنترا که علیه دولت نیکاراگوئه می‌جنگیدند، از سوی ایالات متحده امریکا، نقض اصل عدم مداخله و نقض تعهد به عدم استفاده از زور علیه دولت دیگر است.[۳۴] اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه، به دلیل عدم احراز معیار «کنترل مؤثر»[۳۵] اقدامات کنتراها را مستقیماً به ایالات متحده امریکا منتسب نکرد، اما مسئولیت ایالات متحده امریکا را به دلیل تشویق و حمایت از این گروه‌ها احراز نمود. این رأی، استاندارد بالایی را برای انتساب اقدامات گروه‌های غیردولتی به یک دولت تعیین کرد، اما هم‌زمان بر مسئولیت دولت‌ها در قبال حمایت از چنین گروه‌هایی تأکید ورزید.

در قضیه مربوط به فعالیت‌های مسلحانه در قلمرو کنگو[۳۶]، دیوان بین‌المللی دادگستری بار دیگر بر

32- International Court of Justice (ICJ)

۳۳- نیکاراگوئه علیه ایالات متحده امریکا

34- ICJ Reports 1986, paras. 228, 292

35- effective control

۳۶- جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا

Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda) , Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 168

تعهد دولت‌ها به عدم اجازه استفاده از قلمرو خود برای انجام اقدامات خصمانه علیه دولت دیگر، از جمله حمایت از گروه‌های مسلح، تأکید کرد و اوگاندا را به دلیل حمایت از گروه‌های شورشی در کنگو مسئول شناخت.[۳۷] این آراء، اگرچه مستقیماً به تروریسم نپرداخته‌اند، اما اصول مربوط به حمایت دولت از بازیگران غیردولتی خشونت‌طلب را تبیین می‌کنند که در زمینه تروریسم نیز قابل اعمال است. همچنین، در قضیه مربوط به تعهد به تعقیب یا استرداد.[۳۸]

دیوان بین‌المللی دادگستری بر اهمیت تعهدات عام الشمول[۳۹] تعهدات نسبت به تمامی طرف‌های یک معاهده در کنوانسیون منع شکنجه تأکید کرد و بیان داشت که دولت‌های عضو، تعهد دارند که افراد متهم به شکنجه را که در قلمرو آن‌ها یافت می‌شوند، یا محاکمه کنند یا استرداد نمایند. این اصل [۴۰]یا استرداد یا محاکم[۴۱]، در بسیاری از کنوانسیون‌های ضدتروریسم نیز وجود دارد و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه، به تقویت اجرای آن کمک می‌کند (O'Keefe,2022,215).

عملکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز، اگرچه با چالش‌هایی مواجه بوده، اما به توسعه حقوق کیفری بین‌الملل در زمینه‌های مرتبط با جرائم بین‌المللی کمک کرده است. دیوان کیفری بین‌المللی[۴۲] بر اساس اساسنامه رم [۴۳]، صلاحیت رسیدگی به جرائم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز را دارد. «تروریسم» به‌عنوان یک جرم مستقل در اساسنامه رم گنجانده نشده است که این امر یکی از نقاط ضعف مورد بحث در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی تلقی می‌شود. بااین‌حال، برخی از اقدامات تروریستی، در صورتی که در چهارچوب یک حمله گسترده یا

37- ICJ Reports 2005, paras. 161-165

۳۸- بلژیک علیه سنگال

Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal) , Judgment, I.C.J. Reports 2012, p.422

39- erga omnes partes

40- aut dedere aut judicare

41- either extradite or prosecute

42- ICC

43- Rome Statute of the International Criminal Court, 1998

سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی[۴۴] یا در یک مخاصمه مسلحانه[۴۵] ارتکاب یابند، می‌توانند تحت صلاحیت دیوان قرار گیرند (Schabas,2020,350). بحث‌هایی در جریان است که آیا باید تروریسم به‌عنوان یک جرم مستقل به اساسنامه رم اضافه شود یا خیر؟، اما این امر مستلزم توافق دولت‌های عضو و اصلاح اساسنامه است.

علاوه بر دیوان کیفری بین‌المللی، دادگاه‌های ویژه و مختلطی نیز برای رسیدگی به جرائم خاصی تشکیل شده‌اند. به‌عنوان مثال، دادگاه ویژه لبنان[۴۶] برای محاکمه مسئولان حمله تروریستی سال ۲۰۰۵ میلادی که منجر به کشته شدن رفیق حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان و افراد دیگر شد، تأسیس گردید. این دادگاه، اولین دادگاه بین‌المللی بود که صلاحیت رسیدگی به جرم تروریسم را به‌عنوان یک جرم متمایز بر اساس حقوق داخلی لبنان داشت. عملکرد این دادگاه‌ها، با وجود محدودیت‌ها و چالش‌های خاص خود، به ایجاد رویه قضایی در زمینه جرائم بین‌المللی و تقویت مسئولیت‌پذیری فردی برای این جرائم کمک می‌کند (Bantekas&Mylonaki,2023,702).

این رویه‌های قضایی، هرچند ممکن است مستقیماً به تمامی جنبه‌های مسئولیت دولت در قبال تروریسم نپرداخته باشند، اما درک ما را از تعهدات دولت‌ها در جلوگیری از جرائم بین‌المللی، همکاری در تعقیب مجرمان و عدم حمایت از بازیگران غیردولتی که به خشونت متوسل می‌شوند، عمیق‌تر کرده‌اند.

۴- مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها[۴۷]، سنگ بنای نظام حقوق بین‌الملل و تضمینی برای پایبندی تابعان آن به تعهدات شان محسوب می‌شود. در زمینه مبارزه با تروریسم بین‌المللی، این مفهوم از اهمیت مضاعفی

۴۴- به‌عنوان جنایت علیه بشریت

۴۵- به‌عنوان جنایت جنگی

46- Special Tribunal for Lebanon (STL)

47- international responsibility of states

برخوردار است، چرا که اقدامات یا ترک فعل‌های دولت‌ها می‌تواندبه‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری، گسترش و تداوم فعالیت‌های تروریستی مؤثر باشد. طرح مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی[۴۸] که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین شده وبه‌طور گسترده‌ای به‌عنوان بازتاب حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است، چهارچوب کلی حاکم بر این مسئولیت را مشخص می‌کند. بر این اساس، هرگونه فعل یا ترک فعل قابل انتساب به یک دولت که ناقض یک تعهد بین‌المللی آن دولت باشد، موجد مسئولیت بین‌المللی خواهد بود.[۴۹]

تعهدات دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی، هم جنبه عام و هم جنبه خاص دارد و نقض هریک از این تعهدات می‌تواند پیامدهای حقوقی جدی برای دولت خاطی به دنبال داشته باشد. این بخش به تفصیل به بررسی این تعهدات و مسئولیت‌های ناشی از نقض آن‌ها می‌پردازد.

۴-۱- تعهدات عام دولت‌ها

تعهدات عام دولت‌ها در مبارزه با تروریسم، ریشه در اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله تعهد به عدم اضرار به سایر دولت‌ها و تعهد به مراقبت لازم دارد. این تعهدات، دولت‌ها را ملزم می‌کند که نه‌تنها خود از انجام اقدامات تروریستی یا حمایت از آن خودداری کنند، بلکه فعالانه از وقوع چنین اقداماتی در قلمرو خود و توسط اتباع شان جلوگیری به عمل آورند. یکی از اساسی‌ترین تعهدات عام دولت‌ها، پیشگیری از فعالیت‌های تروریستی در قلمرو خود است. این تعهد که اغلب به‌عنوان تعهد به مراقبت لازم یا سعی و تلاش شناخته می‌شود، به این معنا است که دولت‌ها باید تمامی اقدامات معقول و در دسترس را برای جلوگیری از این که قلمروشان به‌عنوان پایگاهی برای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تأمین مالی یا اجرای اقدامات تروریستی علیه سایر دولت‌ها یا شهروندان شان مورد استفاده قرار گیرد، اتخاذ نمایند.

48- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001

49- International Law Commission, 2001, Art. 1-2

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تنگه کورفو[۵۰] برای نخستین بار به صراحت اعلام کرد که هر دولتی تعهد دارد آگاهانه اجازه ندهد که از قلمروش برای ارتکاب اعمالی که ناقض حقوق سایر دولت‌ها است، استفاده شود.[۵۱] این اصل که به «اصل عدم اضرارنیز معروف است، در زمینه تروریسم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دولت‌ها ملزم هستند با اتخاذ تدابیر قانونی، اجرایی و قضایی مناسب، از جمله کنترل مرزها، نظارت بر فعالیت‌های مشکوک و مقابله با تبلیغات و عضوگیری گروه‌های تروریستی، به این تعهد جامه عمل بپوشانند.

قطعنامه شماره ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به صراحت از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات لازم را برای پیشگیری و سرکوب فعالیت‌های تروریستی در قلمرو خود اتخاذ کنند.[۵۲] باید توجه داشت که این تعهد، یک تعهد به نتیجه[۵۳] نیست، بلکه تعهد به وسیله است[۵۴]؛ یعنی دولت‌ها ملزم به تضمین عدم وقوع هیچ‌گونه اقدام تروریستی نیستند، بلکه باید نشان دهند که تمامی تلاش‌های معقول و متناسب را برای پیشگیری از آن به کار بسته‌اند (Nesi,2021,188). ارزیابی این که آیا یک دولت به تعهد مراقبت لازم خود عمل کرده است یا خیر؟، به عوامل مختلفی از جمله ظرفیت‌ها و منابع آن دولت و همچنین میزان خطر قابل پیش‌بینی بستگی دارد.

تعهد عام دیگر، ممنوعیت حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از گروه‌های تروریستی است. این تعهد که در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل ناظر بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها ۱۹۷۰ میلادی و همچنین در رویه قضایی بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته، دولت‌ها را از هرگونه کمک، پشتیبانی یا پناه دادن به افراد یا گروه‌هایی که در اقدامات تروریستی دست دارند، منع می‌کند. حمایت مستقیم

۵۰- بریتانیا علیه آلبانی

Corfu Channel Case (United Kingdom v. Albania) , Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1949, p. 4

51- I.C.J. Reports 1949, p. 22

52- UN Security Council Resolution 1373, 2001, para. 2

53- obligation of result

54- obligation of conduct

می‌تواند شامل ارائه سلاح، آموزش نظامی، پناهگاه امن، یا تأمین مالی مستقیم به گروه‌های تروریستی باشد. حمایت غیرمستقیم نیز می‌تواند مواردی چون چشم‌پوشی از فعالیت‌های عضوگیری یا تبلیغاتی گروه‌های تروریستی در قلمرو خود، عدم مقابله با تأمین مالی آن‌ها از طریق شبکه‌های غیررسمی، یا خودداری از همکاری با سایر دولت‌ها درشناسایی و دستگیری تروریست‌ها را دربرگیرد (Trapp,2022,112).

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده امریکا، حمایت ایالات متحده امریکا از نیروهای کنترا را که علیه دولت نیکاراگوئه می‌جنگیدند، نقض اصل عدم مداخله و تعهد به عدم توسل به زور دانست.[۵۵] اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری در آن قضیه، اقدامات کنتراها را به دلیل عدم احراز «کنترل مؤثر» مستقیماً به ایالات متحده امریکا منتسب نکرد، اما مسئولیت آن دولت را به دلیل تشویق و حمایت از این گروه‌ها محرز دانست. این اصل به طریق اولی در مورد گروه‌های تروریستی نیز صادق است.

کنوانسیون بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹ میلادی نیز به صراحت دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که از هرگونه تأمین مالی مستقیم یا غیرمستقیم اقدامات تروریستی خودداری کرده و آن را جرم‌انگاری نمایند.[۵۶] نقض این تعهد، یکی از جدی‌ترین تخلفات بین‌المللی محسوب شده و می‌تواند مبنای مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی قرار گیرد.

۴-۲- تعهدات خاص

علاوه بر تعهدات عام، دولت‌ها در چهارچوب معاهدات و قطعنامه‌های بین‌المللی، تعهدات خاص متعددی را نیز در زمینه مبارزه با تروریسم پذیرفته‌اند. این تعهدات، جنبه‌های عملیاتی‌تری داشته و به همکاری‌های ملموس میان دولت‌ها برای مقابله با این پدیده کمک می‌کنند.

55- ICJ Reports 1986, para. 292
56- International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999, Art. 2

یکی از مهم‌ترین تعهدات خاص، همکاری قضایی و استرداد مجرمان تروریستی[۵۷] است. اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدتروریسم، حاوی مقرراتی هستند که دولت‌های عضو را ملزم به ارائه گسترده‌ترین سطح از معاضدت قضایی[۵۸] در تحقیقات، تعقیب و رسیدگی به جرائم تروریستی می‌کنند. این همکاری‌ها می‌تواند شامل تبادل اطلاعات و مدارک، انجام تحقیقات مشترک،شناسایی و ردیابی عواید حاصل از جرم و اجرای احکام قضایی باشد. همچنین، اصل «یا استرداد یا محاکمه، [۵۹] که در بسیاری از این کنوانسیون‌ها گنجانده شده، دولت‌ها را ملزم می‌کند که در صورتی که فرد متهم به ارتکاب یک جرم تروریستی در قلمرو آن‌ها یافت شود و او را به دولت دیگری که صلاحیت رسیدگی دارد مسترد نکنند، پرونده را بدون استثناء و بدون تاخیر غیرموجه به مقامات صالح خود برای تعقیب کیفری ارجاع دهند (Bassiouni,2012,255).

این اصل، با هدف جلوگیری از ایجاد پناهگاه امن برای تروریست‌ها و تضمین این که هیچ جرمی بدون مجازات باقی نماند، طراحی شده است. بااین‌حال، اجرای تعهدات مربوط به استرداد، گاهی با موانعی مانند اصل عدم استرداد اتباع خود، نگرانی‌های مربوط به رعایت حقوق بشر و دادرسی عادلانه در کشور درخواست‌کننده و همچنین استثنای جرم سیاسی[۶۰] مواجه می‌شود، اگرچه اکثر کنوانسیون‌های ضدتروریسم مدرن، جرائم موضوع آن کنوانسیون‌ها را از شمول استثنای جرم سیاسی خارج کرده‌اند. تعهد خاص دیگر، گزارش‌دهی به نهادهای بین‌المللی[۶۱] است. این تعهد، به‌ویژه در چهارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، به ابزاری برای نظارت بر اجرای تعهدات ضدتروریسم توسط دولت‌ها تبدیل شده است. قطعنامه شماره ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد که منجر به تأسیس کمیته ضدتروریسم شد، از تمامی دولت‌های عضو می‌خواهد کهبه‌طور منظم به

57- judicial cooperation and extradition of terrorist offenders
58- legal assistance
59- aut dedere aut judicare
60- political offense exception
61- reporting to international bodies

این کمیته در مورد اقدامات و قوانینی که برای اجرای مفاد قطعنامه اتخاذ کرده‌اند، گزارش دهند.[۶۲]

این گزارش‌ها به کمیته ضدتروریسم امکان می‌دهد تا میزان پایبندی دولت‌ها را ارزیابی کرده، نقاط ضعف و چالش‌های موجود راشناسایی نماید و در صورت نیاز، به دولت‌ها در زمینه ظرفیت‌سازی و دریافت کمک‌های فنی یاری رساند. علاوه بر کمیته ضدتروریسم، برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدتروریسم نیز سازوکارهای گزارش‌دهی خاص خود را پیش‌بینی کرده‌اند. اگرچه نظام گزارش‌دهی می‌تواند به افزایش شفافیت و پاسخگویی کمک کند، اما گاهی با چالش‌هایی مانند بار سنگین گزارش‌دهی برای دولت‌های کوچک یا با ظرفیت محدود، و همچنین کیفیت متفاوت گزارش‌های ارسالی مواجه است (Saul,2024,312). با این وجود، این سازوکارها نقش مهمی در ترویج اجرای هماهنگ‌تر تعهدات بین‌المللی وشناسایی حوزه‌های نیازمند توجه بیشتر ایفاء می‌کنند.

۴-۳- مسئولیت ناشی از نقض تعهدات

نقض تعهدات بین‌المللی در زمینه مبارزه با تروریسم، می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی را به دنبال داشته باشد. این مسئولیت، مجموعه‌ای از پیامدهای حقوقی را در پی دارد که هدف آن‌ها توقف عمل متخلفانه، جبران خسارات وارده و تضمین عدم تکرار آن است. پیامدهای حقوقی عدم همکاری یا نقض تعهدات توسط دولت‌ها می‌تواند شامل موارد مختلفی باشد. بر اساس طرح مسئولیت دولت‌ها، دولت مسئول موظف است به عمل متخلفانه خود خاتمه داده و در صورت لزوم، تضمین‌ها و اطمینان‌هایی مبنی بر عدم تکرار آن ارائه دهد.[۶۳] علاوه بر این، دولت مسئول ملزم به جبران کامل خسارات مادی و معنوی ناشی از عمل متخلفانه خود است.[۶۴] این جبران خسارت می‌تواند به شکل اعاده وضع به حال سابق، [۶۵]پرداخت غرامت[۶۶] یا کسب رضایت[۶۷] صورت گیرد.

62- UN Security Council Resolution 1373, 2001, para. 6
63- International Law Commission, 2001, Art. 30
64- International Law Commission, 2001, Art. 31
65- restitution
66- compensation
67- satisfaction

در مواردی که نقض تعهدات به حدی جدی باشد که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند بر اساس فصل هفتم منشور، اقدامات قهری، از جمله تحریم‌های اقتصادی، دیپلماتیک یا نظامی [۶۸] علیه دولت خاطی وضع نماید (Joyner,2023,145). نمونه‌هایی از این تحریم‌ها را می‌توان در رژیم‌های تحریمی علیه دولت‌ها یا نهادهایی که به حمایت از تروریسم متهم شده‌اند، مشاهده کرد، مانند رژیم تحریم‌های ۱۲۶۷ میلادی علیه القاعده و داعش و افراد و نهادهای وابسته به آن ها.[۶۹] این تحریم‌ها می‌توانند شامل مسدود کردن دارایی‌ها، ممنوعیت سفر و تحریم تسلیحاتی باشند. علاوه بر اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد، دولت‌های زیان‌دیده نیز ممکن است تحت شرایط خاصی، به اقدامات متقابل[۷۰] علیه دولت مسئول متوسل شوند، اگرچه این اقدامات باید با رعایت اصول تناسب و سایر الزامات حقوق بین‌الملل صورت گیرد.

جبران خسارت به قربانیان تروریسم[۷۱] یکی از جنبه‌های مهم مسئولیت بین‌المللی است، هرچند تحقق آن در عمل با پیچیدگی‌هایی همراه است. از منظر حقوق بین‌الملل، این دولت زیان‌دیده[۷۲] است که می‌تواند از دولت مسئول، جبران خسارت را مطالبه کند. این جبران خسارت می‌تواند شامل غرامت برای آسیب‌های جانی، مالی و روانی وارده به قربانیان باشد. بااین‌حال، سازوکارهای بین‌المللی برای دسترسی مستقیم قربانیان فردی به جبران خسارت از دولت‌های مسئول، هنوزبه‌طور کامل توسعه نیافته است. بسیاری از کشورها، قوانین ملی برای جبران خسارت قربانیان تروریسم از طریق صندوق‌های ملی یا سایر ترتیبات داخلی ایجاد کرده‌اند (Duffy,2022,280).

استراتژی جهانی سازمان ملل متحد برای مبارزه با تروریسم[۷۳] نیز بر اهمیت حمایت از قربانیان تروریسم و نیازهای آن‌ها تأکید دارد و از دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات لازم را برای کمک به

68- sanctions
69- UN Security Council Resolution 1267 and its successors
70- countermeasures
71- compensation for victims of terrorism
۷۲- معمولاً دولت متبوع قربانیان
73- UN Global Counter-Terrorism Strategy, 2006

قربانیان و تضمین جبران خسارت آن‌ها اتخاذ کنند. در مورد ارتباط این موضوع با حقوق بین‌الملل بشردوستانه[۷۴]، باید گفت که اگر اقدامات تروریستی در چهارچوب یک مخاصمه مسلحانه رخ دهد و به‌منزله نقض حقوق بشردوستانه[۷۵] باشد، قواعد این شاخه از حقوق بین‌الملل در مورد حمایت از قربانیان و جبران خسارت آن‌ها اعمال خواهد شد. اصول حقوق بشردوستانه، مانند اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان و ممنوعیت حملات بی‌رویه، می‌تواندبه‌طور غیرمستقیم در تفسیر و اجرای تعهدات مربوط به حمایت از غیرنظامیان در برابر اقدامات تروریستی حتی در خارج از وضعیت مخاصمه مسلحانه نیز الهام‌بخش باشد و بر لزوم توجه به حقوق قربانیان تأکید ورزد. ایجاد سازوکارهای مؤثرتر برای جبران خسارت قربانیان تروریسم در سطح بین‌المللی، همچنان یکی از چالش‌های پیش روی جامعه جهانی است.

۵- سازوکارهای حقوقی مقابله با تروریسم

مقابله مؤثر با پدیده پیچیده و فرامرزی تروریسم بین‌المللی، نیازمند وجود سازوکارهای حقوقی کارآمد در سطح بین‌المللی است. این سازوکارها که طیف وسیعی از نهادهای نظارتی تا محاکم قضایی را دربرمی‌گیرند، با هدف تضمین اجرای تعهدات دولت‌ها، تسهیل همکاری‌های بین‌المللی و همچنین تعقیب و مجازات عاملان اقدامات تروریستی ایجاد شده‌اند. اگرچه این سازوکارها نقش مهمی در تقویت چهارچوب حقوقی ضدتروریسم ایفاء کرده‌اند، اما در عمل با چالش‌ها و محدودیت‌های قابل توجهی نیز مواجه هستند.

این بخش به بررسی مهم‌ترین نهادهای نظارتی بین‌المللی، نقش محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین چالش‌های حقوقی عمده در مسیر عملکرد مؤثر این سازوکارها می‌پردازد. تحلیل این سازوکارها نشان می‌دهد که جامعه جهانی درعین‌حال که گام‌های بلندی در جهت ایجاد یک معماری امنیتی-حقوقی برای مقابله با تروریسم برداشته، همچنان با موانعی در جهت تحقق کامل اهداف خود روبرو است.

74- international humanitarian law

۷۵- مانند جنایت جنگی

۵-۱- نهادهای نظارتی بین‌المللی

نهادهای نظارتی بین‌المللی، به‌ویژه در چهارچوب سازمان ملل متحد، نقش کلیدی در پایش اجرای تعهدات ضدتروریسم توسط دولت‌ها و ترویج همکاری‌های بین‌المللی ایفاء می‌کنند. این نهادها، از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی عملکرد دولت‌ها و ارائه کمک‌های فنی به تقویت ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی در مبارزه با تروریسم کمک می‌نمایند.

نقش کمیته ضدتروریسم سازمان ملل متحد در این میان برجسته است. این کمیته که به موجب قطعنامه ۱۳۷۳ در سال ۲۰۰۱ میلادی شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی تأسیس شد، وظیفه اصلی نظارت بر اجرای مفاد این قطعنامه الزام‌آور توسط تمامی دولت‌های عضو سازمان ملل متحد را بر عهده دارد. کمیته ضدتروریسم، از طریق بررسی گزارش‌های ارسالی از سوی دولت‌ها، انجام بازدیدهای کشوری[۷۶] و گفت‌وگوهای مستمر با نمایندگان کشورها، میزان پایبندی آن‌ها به تعهدات مندرج در قطعنامه شماره ۱۳۷۳ را ارزیابی می‌کند.[۷۷] این تعهدات شامل جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، مسدود کردن دارایی‌های تروریست‌ها، جلوگیری از تردد و پناه دادن به آن‌ها و تقویت همکاری‌های مرزی و اطلاعاتی است.

اداره اجرایی کمیته ضدتروریسم[۷۸] که در سال ۲۰۰۴ میلادی تأسیس شد، به‌عنوان بازوی کارشناسی کمیته، تحلیل‌های تخصصی و ارزیابی‌های دقیقی از وضعیت اجرای قطعنامه در کشورهای مختلف ارائه می‌دهد و به‌شناسایی خلاءها و نیازهای فنی آن‌ها کمک می‌کند (Rosand,2023,95). کمیته ضدتروریسم همچنین در ترویج بهترین عملکردها و تسهیل ارائه کمک‌های فنی به کشورهایی که برای اجرای کامل تعهدات خود با چالش مواجه هستند، نقش دارد. با وجود این، عملکرد کمیته با چالش‌هایی نیز روبرو است؛ از جمله اتکای آن به گزارش‌های خوداظهاری دولت‌ها که ممکن است

۷۶- با رضایت دولت مربوطه

77- UN Security Council Resolution 1373, 2001, para. 6

78- Counter-Terrorism Committee Executive Directorate (CTED)

همیشه کامل و دقیق نباشند، فقدان اختیارات اجرایی مستقیم برای اعمال مجازات در صورت عدم پایبندی و همچنین حساسیت‌های سیاسی که گاه بر روند ارزیابی‌ها تأثیر می‌گذارد (Cortright,2024,215). تمرکز اخیر کمیته و اداره اجرایی آن بر موضوعاتی چون مقابله با پدیده جنگجویان تروریست خارجی، جلوگیری از بهره‌برداری تروریست‌ها از فناوری‌های نوین و تضمین رعایت حقوق بشر در حین اجرای اقدامات ضدتروریسم بوده است.

همکاری با سازمان پلیس جنایی بین‌المللی (اینترپل) [۷۹] نیز یکی دیگر از سازوکارهای مهم در مقابله با تروریسم، به‌ویژه در زمینه استرداد تروریست‌ها و تسهیل همکاری‌های پلیسی فرامرزی است. اینترپل، به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی با عضویت یکصدونودوشش کشور[۸۰]، از طریق شبکه امن ارتباطی خود، پایگاه‌های داده حاوی اطلاعات مجرمین و صدور انواع اعلان‌ها[۸۱] به پلیس کشورهای عضو درشناسایی، ردیابی و دستگیری مجرمین فراری، از جمله تروریست‌ها، کمک می‌کند. اعلان قرمز اینترپل[۸۲] که به درخواست یک کشور عضو برای استرداد یک فرد صادر می‌شود، به تمامی کشورهای عضو هشدار می‌دهد که فرد مذکور تحت تعقیب قضایی است و می‌تواند مبنایی برای بازداشت موقت وی تا زمان ارسال درخواست رسمی استرداد قرار گیرد.[۸۳]

اینترپل برنامه ویژه‌ای برای مبارزه با تروریسم دارد که بر تسهیل تبادل اطلاعات عملیاتی،شناسایی شبکه‌های تروریستی، ردیابی منابع مالی آن‌ها و ارتقای ظرفیت پلیس کشورهای عضو در پیشگیری و تحقیق در مورد جرائم تروریستی متمرکز است (Bures&Kaunert,2023,110). بااین‌حال، کارآمدی اینترپل به همکاری فعال کشورهای عضو و اقدام آن‌ها بر اساس اطلاعات و اعلان‌های دریافتی بستگی دارد. همچنین، نگرانی‌هایی در مورد احتمال سوءاستفاده برخی کشورها از سیستم اعلان قرمز

79- international Criminal Police Organization, Interpol

۸۰- تا اوایل سال ۲۰۲۵ میلادی

81- Notices
82- Interpol Red Notice
83- Interpol, Red Notices, 2024

برای اهداف سیاسی و تعقیب مخالفان وجود داشته است، هرچند اینترپل سازوکارهایی را برای بررسی و جلوگیری از چنین مواردی ایجاد کرده است.

۵-۲- چالش‌های حقوقی

عملکرد سازوکارهای حقوقی مقابله با تروریسم با چالش‌های حقوقی متعددی روبرو است که کارآمدی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این چالش‌ها، از تعارض صلاحیت‌ها گرفته تا دشواری‌های اثباتی، نیازمند توجه و راه‌حل‌های نوآورانه هستند. یکی از چالش‌های مهم، تعارض صلاحیت میان محاکم ملی و بین‌المللی[۸۴] و همچنین میان محاکم ملی کشورهای مختلف است. اصل صلاحیت تکمیلی[۸۵] که در اساسنامه رم برای دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده، اولویت را به محاکم ملی می‌دهد و دیوان تنها در صورتی می‌تواند مداخله کند که دولت مربوطه «نخواهد» یا «نتواند»به‌طور واقعی به تحقیق یا تعقیب جرائم بپردازد. این اصل، اگرچه به حاکمیت ملی احترام می‌گذارد، اما تفسیر و اجرای آن در عمل می‌تواند پیچیده باشد. علاوه بر این، اصل صلاحیت جهانی[۸۶] که به دولت‌ها اجازه می‌دهد جرائم بین‌المللی خاصی[۸۷] را صرف‌نظر از محل ارتکاب جرم یا تابعیت مجرم و قربانی، مورد تعقیب قرار دهند، می‌تواند منجر به تعارض مثبت صلاحیت[۸۸] یا تعارض منفی صلاحیت[۸۹] گردد (Ryngaert,2024,301). هماهنگی میان نظام‌های قضایی مختلف، اشتراک‌گذاری ادله، و رعایت قاعده منع محاکمه مجدد[۹۰] از جمله مسائلی هستند که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرند.

چالش حقوقی دیگر، دشواری اثبات مسئولیت دولت‌ها در حمایت از تروریسم است. انتساب

84- conflict of jurisdiction between national and international courts
85- principle of complementarity
86- universal jurisdiction

۸۷- از جمله برخی اقدامات تروریستی بر اساس کنوانسیون‌های بخشی

۸۸- زمانی که چند دولت خواهان رسیدگی هستند

۸۹- زمانی که هیچ دولتی اقدام نمی‌کند و منجر به بی‌کیفری می‌شود

90- ne bis in idem

اقدامات گروه‌های تروریستی[۹۱] به یک دولت، مستلزم احراز معیارهای سختگیرانه‌ای است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای نیکاراگوئه و نسل‌کشی بوسنی، معیار «کنترل مؤثر» را برای انتساب اقدامات گروه‌های مسلح به دولت مطرح کرده است که بر اساس آن باید ثابت شود که دولت نه‌تنها حمایت کلی از گروه داشته، بلکه عملیات خاصی را که منجر به نقض حقوق بین‌الملل شده، هدایت یا کنترل کرده است.[۹۲] ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها نیز به رفتاری اشاره دارد که «تحت هدایت یا کنترل» یک دولت انجام شده باشد.[۹۳]

اثبات چنین سطحی از کنترل در عمل بسیار دشوار است، زیرا دولت‌ها معمولاً تلاش می‌کنند ردپایی از خود در حمایت از گروه‌های تروریستی به جای نگذارند و اطلاعات مربوط به این گونه حمایت‌ها اغلب ماهیت اطلاعاتی و طبقه‌بندی شده دارند. این امر، تفکیک میان «حمایت فعال» از تروریسم[۹۴] و «قصور در پیشگیری» یا «تساهل» نسبت به فعالیت‌های تروریستی[۹۵] را حائز اهمیت می‌سازد (Bianchi,2023,250). حساسیت‌های سیاسی شدید پیرامون اتهام حمایت دولتی از تروریسم نیز مزید بر علت شده و پیگیری حقوقی این موارد را با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه می‌سازد.

۶- مطالعه موردی حقوقی

بررسی انضمامی و موردی پرونده‌های حقوقی بین‌المللی و عملکرد دولت‌ها در اجرای تعهدات ضدتروریسم، می‌تواند به درک عمیق‌تری از چالش‌ها، تفاسیر و واقعیت‌های عملی حاکم بر نظام حقوق بین‌الملل در این حوزه کمک کند. رویه قضایی بین‌المللی، به‌ویژه آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، نقش مهمی در تبیین اصول مسئولیت دولت‌ها ایفاء کرده است. همچنین، بررسی عملکرد یک دولت خاص در

۹۱- به‌عنوان بازیگران غیردولتی

92- ICJ Reports 1986, para. 115; Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro) , Judgment, I.C.J. Reports 2007, p. 43, para. 400

93- International Law Commission, 2001, Art. 8

۹۴- که می‌تواند منجر به انتساب عمل تروریستی به دولت شود

۹۵- که نقض تعهد به مراقبت لازم است

تطبیق نظام حقوقی داخلی خود با الزامات بین‌المللی، می‌تواند پیچیدگی‌های اجرای این تعهدات را در سطح ملی آشکار سازد. این بخش به دو مطالعه موردی می‌پردازد: نخست، تحلیل رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده امریکا و دلالت‌های آن بر مسئولیت دولت‌ها در حمایت از گروه‌های غیردولتی خشونت‌طلب؛ در عرصه مبارزه با تروریسم است.

رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن[۹۶] یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آراء در زمینه حقوق بین‌الملل، به‌ویژه درباره اصول عدم مداخله، منع توسل به زور و مسئولیت دولت‌ها در قبال حمایت از گروه‌های مسلح غیردولتی است. هرچند این پرونده مستقیماً به تروریسم به معنای امروزی آن نپرداخت، اما اصول و معیارهای حقوقی که توسط دیوان در این رأی تبیین شد، دارای دلالت‌های گسترده‌ای برای ارزیابی مسئولیت دولت‌ها در قبال حمایت از گروه‌های تروریستی است. نیکاراگوئه در این قضیه، ایالات متحده امریکا را به حمایت از شورشیان کنترا که علیه دولت ساندینیستی نیکاراگوئه فعالیت مسلحانه می‌کردند، متهم نمود. این حمایت شامل تأمین مالی، تسلیحاتی، آموزشی و هدایت عملیاتی کنتراها بود.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ماهوی خود در سال ۱۹۸۶ میلادی، به یافته‌های مهمی دست یافت که برای بحث مسئولیت دولت در قبال تروریسم بسیار مرتبط است. نخست، دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید کرد که اصل عدم مداخله[۹۷]، یک اصل بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی است و هرگونه مداخله یک دولت در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر، از جمله از طریق حمایت از گروه‌های مسلح مخالف، نقض این اصل محسوب می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری دریافت که ایالات متحده امریکا با آموزش، تسلیح، تجهیز، تأمین مالی و تدارکاتی نیروهای کنترا و همچنین با تشویق، حمایت و کمک به فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه، اصل عدم مداخله را نقض کرده است.[۹۸]

96- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) , Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986, p. 14
97- principle of non-intervention
98- I.C.J. Reports 1986, para. 292

دوم، دیوان بین‌المللی دادگستری به بررسی مسئله انتساب[۹۹] اقدامات کنتراها به ایالات متحده امریکا پرداخت. در این زمینه، دیوان بین‌المللی دادگستری معیار کنترل مؤثر را مطرح کرد. بر اساس این معیار، برای این که اقدامات یک گروه غیردولتی به یک دولت قابل انتساب باشد، باید ثابت شود که آن دولت نه‌تنها حمایت کلی از گروه داشته، بلکه عملیات خاصی را که منجر به نقض حقوق بین‌الملل شده، هدایت یا کنترل کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری به این نتیجه رسید که اگرچه ایالات متحده امریکا حمایت گسترده‌ای از کنتراها به عمل آورده، اما شواهد کافی برای اثبات این که ایالات متحده امریکا «کنترل مؤثر» بر تمامی عملیات کنتراها، به‌ویژه آن دسته از عملیاتی که ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده‌اند، داشته است، وجود ندارد. بنابراین، اقدامات خود کنتراها مستقیماً به ایالات متحده امریکا منتسب نشد.[۱۰۰]

این یافته، معیار بالایی را برای انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دولت حامی تعیین کرد. بااین‌حال، دیوان مسئولیت ایالات متحده امریکا را به دلیل نقض تعهدات مستقیم خود، یعنی نقض اصل عدم مداخله و همچنین نقض تعهد به عدم استفاده از زور[۱۰۱]، احراز نمود. علاوه بر این، دیوان بین‌المللی دادگستری ایالات متحده امریکا را به دلیل انتشار کتابچه‌ای در مورد «عملیات روانی در جنگ چریکی» و تشویق کنتراها به ارتکاب اعمالی که ناقض اصول کلی حقوق بشردوستانه است، مسئول شناخت.[۱۰۲]

اهمیت رأی نیکاراگوئه برای مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم در چند نکته نهفته است. اولاً، معیار «کنترل مؤثر» که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه شد، به‌عنوان یک استاندارد کلیدی برای ارزیابی این که آیا اقدامات یک گروه تروریستی می‌تواند به دولت حامی آن منتسب شود، در

99- attribution

100- I.C.J. Reports 1986, paras. 109

۱۰۱- از طریق اقداماتی مانند مین‌گذاری بنادر نیکاراگوئه

102- I.C.J. Reports 1986, para. 292

حقوق بین‌الملل مورد استناد قرار گرفته است. این معیار بعداً در قضیه نسل‌کشی بوسنی[۱۰۳] نیز توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تأیید شد. این بدان معنا است که صرف ارائه کمک مالی یا تسلیحاتی به یک گروه تروریستی، لزوماً به معنای مسئولیت دولت حامی برای تمامی اقدامات آن گروه نیست، مگر این که کنترل مؤثر بر عملیات خاص اثبات شود. ثانیاً، رأی نیکاراگوئه نشان می‌دهد که حتی اگر اقدامات گروه تروریستی مستقیماً به دولت حامی منتسب نشود، آن دولت همچنان می‌تواند به دلیل نقض تعهدات مستقل خود، مانند تعهد به عدم مداخله، تعهد به عدم حمایت از گروه‌های تروریستی[۱۰۴] و تعهد به مراقبت لازم برای جلوگیری از استفاده از قلمروش برای اقدامات تروریستی، مسئول شناخته شود (Milanovic,2022,185). ثالثاً، این رأی بر اهمیت تفکیک میان سطوح مختلف حمایت و تأثیر آن‌ها بر نوع مسئولیت دولت تأکید دارد.

معیار «کنترل مؤثر» اگرچه مورد انتقاد برخی حقوقدانان به دلیل بالا بودن بیش از حد و ایجاد خلأ در مسئولیت‌پذیری قرار گرفته، اما همچنان به‌عنوان یک چهارچوب مهم در تحلیل‌های حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Green,2024,77). این پرونده به وضوح نشان می‌دهد که دولت‌ها نمی‌توانند با پنهان شدن پشت بازیگران غیردولتی، از مسئولیت‌های بین‌المللی خود شانه خالی کنند، حتی اگر اثبات کنترل مستقیم دشوار باشد.

۷- پیشنهادات برای تقویت چهارچوب حقوقی

با وجود تلاش‌های گسترده جامعه بین‌المللی برای ایجاد یک چهارچوب حقوقی جامع و کارآمد در مقابله با تروریسم بین‌المللی، چالش‌ها و کاستی‌های موجود، ضرورت اصلاحات و تقویت این چهارچوب را بیش از پیش آشکار می‌سازد. تداوم تهدیدات تروریستی در اشکال نوین، پیچیدگی‌های مربوط به مسئولیت دولت‌ها و موانع موجود بر سر راه همکاری‌های قضایی بین‌المللی،

103- Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro) , Judgment, I.C.J. Reports 2007, p. 43

۱۰۴- که در حقوق بین‌الملل عرفی و معاهداتی‌شناسایی شده

همگی نشان‌دهنده نیاز به بازنگری و ارائه راهکارهای نوین برای افزایش اثربخشی نظام حقوقی بین‌المللی در این عرصه است.

این بخش، با اتکاء به تحلیل‌های ارائه شده در فصول پیشین، مجموعه‌ای از پیشنهادها را در دو حوزه اصلی اصلاحات قانونی و تقویت همکاری‌های قضایی مطرح می‌کند. هدف از این پیشنهادها، کمک به شکل‌گیری یک نظام حقوقی منسجم‌تر، کارآمدتر و عادلانه‌تر برای مقابله با پدیده تروریسم و تضمین پاسخگویی عاملان و حامیان آن است، درحالی‌که به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و موازین حقوق بشر نیز احترام گذاشته شود.

۷-۱- اصلاحات قانونی

اصلاحات قانونی در سطح بین‌المللی می‌تواند به رفع برخی از اساسی‌ترین موانع در مسیر مبارزه هماهنگ و مؤثر با تروریسم کمک کند. دو حوزه کلیدی که نیازمند توجه و اقدام جدی هستند، تدوین یک تعریف واحد از تروریسم و ایجاد یک سامانه نظارتی کارآمدتر بر اجرای تعهدات دولت‌ها است. پیشنهاد محوری نخست، تلاش مجدد و متمرکز برای تدوین یک تعریف واحد و جهان‌شمول از «تروریسم» در حقوق بین‌الملل است. فقدان چنین تعریفی، یکی از بزرگ‌ترین موانع در مسیر همکاری‌های بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه استرداد مجرمین و اجرای هماهنگ کنوانسیون‌های ضدتروریسم، محسوب می‌شود. این خلأ، همچنین زمینه را برای تفاسیر متعدد، اعمال استانداردهای دوگانه و سیاسی شدن مبارزه با تروریسم فراهم آورده است (Saul,2024,55).

برای فائق آمدن بر این چالش، ضروری است که تلاش‌های دیپلماتیک در چهارچوب سازمان ملل متحد، به‌ویژه در کمیته ویژه مجمع عمومی برای تدوین کنوانسیون جامع بین‌المللی علیه تروریسم، با اراده سیاسی قوی‌تر و رویکردی منعطف‌تر از سر گرفته شود. یک تعریف قابل قبول باید بر عناصر عینی جرم، مانند قصد ارعاب جمعیت غیرنظامی یا وادار کردن یک دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا ترک فعلی و همچنین ماهیت خشونت‌آمیز و غیرقانونی عمل، تمرکز کند.

درعین‌حال، باید به نگرانی‌های مشروع برخی کشورها در مورد تفکیک تروریسم از مبارزات مشروع برای تعیین سرنوشت نیز به گونه‌ای پرداخته شود که مانع از دستیابی به اجماع نگردد. شاید یک رویکرد مرحله‌ای که ابتدا بر جرم‌انگاری اشکال خاص و غیرقابل انکار تروریسم[۱۰۵] متمرکز شود، بتواند راه را برای دستیابی به یک تعریف جامع‌تر در آینده هموار سازد (Cortright&Lopez,2023,180). تصویب چنین تعریفی نه‌تنها به افزایش قطعیت حقوقی کمک می‌کند، بلکه مشروعیت اقدامات ضدتروریسم در سطح جهانی را نیز تقویت خواهد کرد.

پیشنهاد دوم در زمینه اصلاحات قانونی، ایجاد یا تقویت یک سامانه نظارت بین‌المللی کارآمدتر بر اجرای تعهدات دولت‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم است. در حال حاضر، نهادهایی مانند کمیته ضدتروریسم شورای امنیت و نهادهای معاهداتی کنوانسیون‌های بخشی، وظیفه نظارت را بر عهده دارند. بااین‌حال، این سیستم‌ها اغلب با چالش‌هایی نظیر اتکاء به گزارش‌های خوداظهاری دولت‌ها، فقدان مکانیسم‌های راستی‌آزمایی مستقل و محدودیت در اختیارات اجرایی مواجه هستند. برای افزایش اثربخشی نظارت، می‌توان به تقویت اختیارات و منابع نهادهای موجود، به‌ویژه اداره اجرایی کمیته ضدتروریسم[۱۰۶]، اندیشید. این تقویت می‌تواند شامل ایجاد ظرفیت برای انجام تحقیقات میدانی مستقل[۱۰۷] و همچنین توسعه شاخص‌های عینی‌تر برای ارزیابی عملکرد دولت‌ها باشد (Heupel,2025,112).

علاوه بر این، می‌توان به ایجاد یک سازوکار بررسی دوره‌ای جهانی در شورای حقوق بشر برای ارزیابی اقدامات ضدتروریسم دولت‌ها فکر کرد که در آن دولت‌ها عملکرد یکدیگر را مورد بررسی قرار داده و توصیه‌هایی را ارائه دهند. چنین سیستمی باید بر شفافیت، بی‌طرفی و ارائه کمک‌های فنی

۱۰۵- مانند حملات کور علیه غیرنظامیان

106- CTED

۱۰۷- البته با رعایت ملاحظات حاکمیتی و با رضایت دولت‌ها یا در چهارچوب قطعنامه‌های خاص شورای امنیت سازمان ملل متحد

به کشورهایی که در اجرای تعهدات خود با مشکل مواجه هستند، متمرکز باشد. هدف نهایی باید ایجاد یک فرهنگ پاسخگویی و همکاری در سطح بین‌المللی باشد که در آن دولت‌ها خود را ملزم به اجرای کامل و صادقانه تعهدات ضدتروریسم بدانند.

۷-۲- تقویت همکاری‌های قضایی

همکاری قضایی بین‌المللی، ستون فقرات هرگونه تلاش مؤثر برای تعقیب و مجازات تروریست‌ها و جلوگیری از فرار آن‌ها از عدالت است. بااین‌حال، این همکاری‌ها در عمل با موانع متعددی روبرو هستند. دو پیشنهاد کلیدی برای تقویت این حوزه عبارتند از: گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به جرائم تروریستی و تسهیل استرداد مجرمان از طریق معاهدات چندجانبه.

گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای شامل شدن جرم مستقل «تروریسم بین‌المللی»، یکی از پیشنهادهایی است که سال‌ها است مورد بحث قرار دارد. در حال حاضر دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به جرم تروریسم را ندارد، مگر این که اقدامات تروریستی در قالب جرائم علیه بشریت یا جنایات جنگی ارتکاب یابند. گنجاندن تروریسم به‌عنوان یک جرم مستقل در اساسنامه رم می‌تواند به پر کردن خلأ موجود در پاسخگویی برای این دسته از جرائم، به‌ویژه در مواردی که محاکم ملی قادر یا مایل به رسیدگی نیستند، کمک کند (Schabas,2020,550). این اقدام همچنین می‌تواند پیام نمادین قدرتمندی در مورد عزم جامعه جهانی برای مبارزه با بی‌کیفری برای تروریسم ارسال کند. بااین‌حال، تحقق این امر مستلزم فائق آمدن بر چالش‌های عمده‌ای است، از جمله دستیابی به توافق بر سر تعریف دقیقی از تروریسم که در اساسنامه گنجانده شود و همچنین رفع نگرانی‌های برخی دولت‌ها در مورد سیاسی شدن دیوان و احتمال سوءاستفاده از این صلاحیت. یک راه‌حل میانه می‌تواند تعریف محدود و دقیقی از برخی از فجیع‌ترین اشکال تروریسم بین‌المللی باشد که اجماع گسترده‌تری در مورد آن‌ها وجود دارد. در هر صورت، هرگونه اصلاح در اساسنامه رم نیازمند اراده سیاسی قوی دولت‌های عضو و فرآیند پیچیده مذاکره و تصویب خواهد بود.

پیشنهاد دیگر، تسهیل استرداد مجرمان تروریستی[۱۰۸] از طریق تقویت و گسترش چهارچوب

108- extradition of terrorist offenders

معاهدات چندجانبه است. در حال حاضر، استرداد عمدتاً بر اساس معاهدات دوجانبه و مقررات مندرج در کنوانسیون‌های بخشی ضدتروریسم صورت می‌گیرد. این چهارچوب، به دلیل عدم پوشش جهانی و تفاوت در قوانین و رویه‌های ملی، با خلاءها و موانعی روبرو است.

برای رفع این مشکلات، می‌توان به چند اقدام اندیشید. نخست، تشویق تمامی دولت‌ها به پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدتروریسم که حاوی مقررات الزام‌آور در مورد اصل «یا استرداد یا محاکمه[۱۰۹] هستند. دوم، تلاش برای تدوین یک معاهده چندجانبه جدید و جامع در مورد استرداد برای جرائم تروریستی که رویه‌های استرداد را ساده‌سازی و هماهنگ کرده و موانع سنتی مانند استثنای جرم سیاسی[۱۱۰] رابه‌طور کامل مرتفع سازد (Bassiouni,2012,301). چنین معاهده‌ای می‌تواند شامل مقرراتی در مورد استانداردهای حداقلی برای حمایت از حقوق بشر فرد مسترد شونده نیز باشد تا نگرانی‌های مربوط به دادرسی ناعادلانه یا شکنجه در کشور درخواست‌کننده را کاهش دهد. سوم، تقویت نقش نهادهایی مانند اینترپل در تسهیل تبادل اطلاعات و همکاری‌های پلیسی برای ردیابی و بازداشت سریع‌تر فراریان. استفاده از فناوری‌های نوین برای ایجاد شبکه‌های امن و کارآمد ارتباطی میان مقامات قضایی کشورها نیز می‌تواند به تسریع فرآیند استرداد کمک کند. هدف نهایی باید ایجاد یک شبکه جهانی از همکاری‌های قضایی باشد که هیچ پناهگاه امنی برای تروریست‌ها در هیچ کجای جهان باقی نگذارد.

این پیشنهادها، اگرچه ممکن است با چالش‌های سیاسی و عملی در مسیر تحقق مواجه شوند، اما می‌توانند به‌عنوان یک نقشه راه برای تلاش‌های آینده جامعه جهانی در جهت تقویت چهارچوب حقوقی مقابله با تروریسم و ارتقای مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در این عرصه مهم تلقی گردند.

نتیجه

پدیده تروریسم بین‌المللی، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و ویرانگرترین چالش‌های عصر حاضر، نظام حقوق بین‌الملل و دیپلماسی جهانی را با آزمون‌های دشواری مواجه ساخته است. این پژوهش در صدد بود تا با بررسی ابعاد مختلف مسئولیت دولت‌ها در قبال این پدیده و واکاوی چهارچوب‌های

109- aut dedere aut judicare

۱۱۰- که البته در اکثر کنوانسیون‌های ضدتروریسم مدرن برای جرائم موضوعه کنار گذاشته شده

حقوقی و سازوکارهای دیپلماتیک موجود برای مقابله با آن، تصویری جامع از تعهدات، چالش‌ها و چشم‌اندازهای پیش رو ارائه دهد. تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی گام‌های مهمی در جهت ایجاد یک رژیم حقوقی ضدتروریسم برداشته است، اما این رژیم همچنان با کاستی‌ها و موانعی روبروست که اثربخشی آن را محدود می‌سازد.

در طول این پژوهش، تعهدات حقوقی متعدد دولت‌ها در پیشگیری و مقابله با تروریسم بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت. این تعهدات، از لزوم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در قلمرو داخلی و اعمال اصل مراقبت لازم [111] برای جلوگیری از استفاده از سرزمین خود برای اقدامات تروریستی، تا ممنوعیت هرگونه حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از گروه‌ها و افراد تروریست را شامل می‌شود. همچنین، تعهد به جرم‌انگاری اقدامات تروریستی، تعقیب و محاکمه یا استرداد عاملان[112] و همکاری گسترده در زمینه‌های قضایی، اطلاعاتی و فنی، از ارکان اساسی مسئولیت دولت‌ها در این حوزه به شمار می‌روند. کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی و قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌ویژه قطعنامه شماره ۱۳۷۳، چهارچوب هنجاری این تعهدات را شکل داده‌اند و سازوکارهایی نظیر کمیته ضدتروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز برای نظارت بر اجرای آن‌ها ایجاد شده است.

بااین‌حال، نظام بین‌المللی در مقابله با تروریسم با کاستی‌های قابل توجهی نیز مواجه است. فقدان یک تعریف واحد و جهان‌شمول از «تروریسم» همچنان یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها است که نه‌تنها به ایجاد ابهام حقوقی دامن زده، بلکه همکاری‌های بین‌المللی را نیز با مشکل مواجه ساخته و زمینه را برای سیاسی شدن این مفهوم فراهم آورده است. دشواری در اثبات مسئولیت دولت‌ها، به‌ویژه در موارد حمایت غیرمستقیم یا قصور در پیشگیری و همچنین معیار سختگیرانه «کنترل مؤثر» برای انتساب اقدامات گروه‌های غیردولتی به دولت‌ها، از دیگر موانعی است که پاسخگویی دولت‌های خاطی را با چالش روبرو می‌کند. محدودیت‌های صلاحیت محاکم بین‌المللی، از جمله عدم گنجاندن جرم مستقل تروریسم در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و پیچیدگی‌ها و موانع موجود در فرآیند استرداد مجرمان از دیگر نقاط ضعفی است که نیازمند توجه و اصلاح است.

111- due diligence
112- aut dedere aut judicare

یکی از محورهای اساسی و پرتنش در مبارزه با تروریسم بین‌المللی، ضرورت ایجاد توازن میان اصل حاکمیت دولت‌ها و تعهدات جمعی و فراملی در این زمینه است. از یک سو، حاکمیت ملی ایجاب می‌کند که دولت‌ها در امور داخلی خود از استقلال عمل برخوردار باشند و از مداخله خارجی مصون بمانند. از سوی دیگر، ماهیت فرامرزی تروریسم و وابستگی متقابل امنیت کشورها، ایجاب می‌کند که دولت‌ها بخشی از اختیارات خود را در راستای همکاری‌های بین‌المللی و مقابله با تهدیدات مشترک، محدود یا تعدیل نمایند. قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، به‌طور فزاینده‌ای تعهداتی را بر دولت‌ها تحمیل کرده‌اند که اجرای آن‌ها مستلزم اقدامات تقنینی و اجرایی در سطح ملی است. این امر، گاه به‌عنوان تحدید حاکمیت تلقی شده است. بااین‌حال، باید پذیرفت که در دنیای امروز، مفهوم مطلق حاکمیت دیگر کارایی ندارد و دولت‌ها در برابر جامعه بین‌المللی نیز مسئولیت‌هایی دارند، به‌ویژه زمانی که پای صلح و امنیت بین‌المللی در میان باشد. راه‌حل نه در نفی حاکمیت ملی و نه در بی‌توجهی به تعهدات بین‌المللی، بلکه در یافتن نقطه‌ای تعادلی است که در آن، همکاری‌های بین‌المللی در چهارچوب احترام متقابل و با رعایت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بشر، صورت پذیرد. تضمین این که اقدامات ضدتروریسم خود به نقض حقوق بنیادین افراد منجر نشود، برای حفظ مشروعیت و اثربخشی بلندمدت این اقدامات حیاتی است.

در نهایت، تقویت چهارچوب حقوقی بین‌المللی ضدتروریسم نیازمند اراده سیاسی قوی، اجماع نظر گسترده‌تر و اصلاحات هدفمند است. پیشنهادهایی نظیر تلاش برای تدوین تعریف واحد از تروریسم، ایجاد سازوکارهای نظارتی کارآمدتر و مستقل‌تر، گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به جرائم تروریستی[۱۱۳] و تسهیل فرآیندهای همکاری قضایی و استرداد همگی می‌توانند در این راستا مؤثر باشند. بااین‌حال، هیچ اصلاح قانونی یا ساختاری به تنهایی کافی نخواهد بود، مگر آن که با تعهد واقعی دولت‌ها به اجرای صادقانه تعهدات شان و همکاری سازنده با یکدیگر همراه شود. مبارزه با تروریسم یک مسئولیت جمعی است و موفقیت در آن، در گرو تلاش هماهنگ و همه‌جانبه

۱۱۳- با رعایت جوانب احتیاط

تمامی اعضای جامعه بین‌المللی در چهارچوب حاکمیت قانون و احترام به کرامت انسانی خواهد بود. آینده این مبارزه به توانایی ما در ایجاد این توازن و تقویت همکاری‌های چندجانبه بستگی دارد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

کتاب و مقاله

- Bantekas, Ilias, & Mylonaki, Eirini., 2023, International Criminal Law. 5th Edition. Oxford: Hart Publishing.
- Bassiouni, M. Cherif, & van der Wilt, Harm G., 2012, Aut Dedere Aut Judicare: The Continued Quest for Global Justice. Journal of International Criminal Justice.
- Becker, Michael., 2023, The Politics of Defining Terrorism: A Persistent Challenge. Global Governance.
- Bianchi, Andrea., 2023, State Responsibility and Complicity in Terrorism: Evolving Standards. European Journal of International.
- Bures, Oldrich, & Kaunert, Christian., 2023, Interpol and the European Union in the Global Fight Against Terrorism. London: Routledge.
- Byers, Michael., 2022, International Law and the War on Terror. 2nd Edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cassese, Antonio., 2013, International Criminal Law. (Edited by P. Gaeta, S. Zappalà, L. Baig. 3th Edition. Oxford: Oxford University Press.
- Chesterman, Simon., 2022, Sovereignty and the Politics of Exception in Counter-

Terrorism. New York: Oxford University Press.

- Cortright, David., 2024, The UN Security Council and Counterterrorism: Performance and Legitimacy. London: Routledge.
- Cortright, David, & Lopez, George A., 2023, Smart Sanctions and Counter-Terrorism: The Quest for Effectiveness.
- Crawford, James., 2012, State Responsibility: The General Part. Cambridge: Cambridge University Press.
- Duffy, Helen., 2022, The Rights of Victims of Terrorism: Ensuring Access to Justice and Reparation. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Foley, Conor., 2023, The Thin Blue Line: The UN Security Council's Expanding Powers in Counter-Terrorism. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ganor, Boaz., 2023, Defining Terrorism: Is One Man's Terrorist Another Man's Freedom Fighter? Studies in Conflict & Terrorism.
- Glennon, Michael J., 2021, Sovereignty in the Age of Global Terrorism. Harvard International Law Journal.
- Green, James A., 2024, The Nicaragua Judgment and Its Enduring Legacy for the Use of Force. Journal of Conflict and Security Law.
- Heupel, Monika., 2025, The UN Counter-Terrorism Committee Executive Directorate (CTED): An Assessment of its Evolving Role and Impact. New York: Palgrave Macmillan.
- Joyner, Daniel H., 2023, International Law and the Proliferation of Weapons of Mass Destruction: The Role of Sanctions. Oxford: Oxford University Press.
- Milanovic, Marko., 2022, Attribution of Conduct in the Context of Counter-Terrorism. American Journal of International Law.

- Nesi, Giuseppe., 2021, Due Diligence in International Law. Leiden: Brill Nijhoff.
- O'Keefe, Roger., 2022, International Criminal Law. 3rd Edition. Oxford: Oxford University Press.
- Rosand, Eric, De Gucht, Karel, & Berkey, Jud., 2023, The United Nations and Counterterrorism: A Decade of Capacity-Building. London: Routledge.
- Ryngaert, Cedric., 2024, Jurisdiction in International Law. 3rd Edition. Oxford: Oxford University Press.
- Saul, Ben., 2024, Defining Terrorism in International Law. 2nd Edition. Oxford: Oxford University Press.
- Schabas, William A., 2020, The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute. 6rd Edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Schmitt, Michael N., 2022, The Definition of Terrorism: A Legal and Operational Quagmire. Texas International Law Journal
- Trapp, Kimberley N., 2022, State Responsibility for International Terrorism. Oxford: Oxford University Press.
- Walter, Christian., 2021, Terrorism and the Law of State Responsibility. In: The Oxford Handbook of the Law of State Responsibility.Oxford: Oxford University Press

اسناد

- Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro, Judgment, 2007, I.C.J. Reports 2007.
- Armed Activities on the Territory of the Congo, Democratic Republic of the Congo v. Uganda, Judgment, 2005, I.C.J. Reports 2005.

- Charter of the United Nations, 1945, San Francisco.
- Corfu Channel Case, United Kingdom v. Albania, Merits, Judgment, 1949, I.C.J. Reports 1949.
- Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations, 1970, UN General Assembly Resolution 2625 (XXV).
- International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, 2005, New York: United Nations.
- International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999, New York: United Nations.
- International Law Commission, 2001, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries. New York: United Nations.
- Interpol, 2024, Red Notices, Interpol Website.
- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Nicaragua v. United States of America, Merits, Judgment, 1986, I.C.J. Reports 1986.
- Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite, Belgium v. Senegal, Judgment., 2012, I.C.J. Reports 2012.
- Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Rome: United Nations.
- UN General Assembly, 2006, The United Nations Global Counter-Terrorism Strategy. UN Doc.
- UN Security Council, 2001, Resolution 1368, 2001, Threats to international peace and security caused by terrorist acts.
- UN Security Council, 2001, Resolution 1373, 2001, Threats to international peace and security caused by terrorist acts.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.26- Winter 2026

Analysis of the Issuing Bank's Liability under the Law of Documentary Credits
Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi
The Role of Artificial Intelligence in Improving Criminal Investigation Processes and Digital Evidence Analysis in the Iranian Legal System
Amirreza Mahmoudi, Zahra Rahnama
How to File Class Action Lawsuits and How to Enforce Their Rulings
Rahim Mokhtari, Ali Soltani Shirzade
Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law
Shima Shakouri, Ghasem Nabizadeh Kebrya
Iranian Criminal Policy Ppathology Regarding the Crimes of Rebellion, Moharebeh and Corruption on Earth in Light of the Concept of National Security and Political Stability of the Country
Ruhollah Sheikhi, Mohammad Momahmoodi
The Framework of Civil Liability Arising from High-Risk Recreational Activities: A Study of Escape Rooms
Rahim Mokhtari, Gholamhossein Keshavarz
Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System
Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi, Mohammadreza Nasiri, Amirhasan Abolhasani
Liability of Building Builders and Rights of Neighbors Due to Construction Noise Pollution
Rahim Mokhtari, Nazanin Zahra Joukar
Criminological Analysis of Crimes in the Field of Cryptocurrencies: A Study of Common Frauds in Iran
Hossein Mahmoudi Tekanloo, Roya Asiaei
Preventive Strategies for the Crime of Rent-Taking in Iran's Criminal Policy with an Emphasis on Criminological Challenges and Gaps
Fazal Movahedi, Hamidreza Konari Zhadeh, Davoud Salmanpour
An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court
Hasan Pirfalak, Tayebe Ghodrati Siyahmazgi
Agreement Between the Parties to the Contract in Determining the Evidence to Prove the Claim
Habibolah Abdolah Poor, Mahdi Shojayi
Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System
Iraj Morvati, Naghmeh Farhood
Agreement of the Parties to Refer the Case to Arbitration at the Appeal Stage
Rahim Mokhtari, Zahra Emadi
The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
The End of Centralized Governance: an Analysis of the Emergence of Decentralized Governance in the Era of Block chain and Smart Contracts
Hadi Zare, Majid Vaziri
Comparative Analysis of Social Security Compensatory Protection for Bodily Injuries and the Scope of Eligible Victims in Iran and England
Zeinab Tari
Liability of the Developer and the Rights of Adjacent Property Owners Arising from the Use of Tower Cranes
Rahim Mokhtari, Ehsan Yosefi
Transfer of Lawsuits in the Iranian Legal System with Emphasis on Selected Provisions of the Deeds and Real Estate Registration Law
Amirreza Alitabar
The Position of Artificial Intelligence in the Field of Criminal Policymaking
Mahbobeh Talebi Rostami
Commitment to Data Security as a Commitment to Result or a Commitment to Means in Private Law
Sayyed Amirhasan Mostafavi
Criminal Liability of Technology Companies for Crimes Committed by Users
Vahid Kioumarsi
Civil Liability Arising from Automated Processing of Personal Data by Artificial Intelligence in Iranian and Afghan Law (with a Look at International Documents)
Raziyeh Jafarzade, Vahid Hamidi, Mohammadreza Rashid
The Impact of Legal Awareness and Transparency on the Prevention and Reduction of Administrative and Financial Corruption
Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari
Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property
Sina Youseffi
Civil Liability of the Physician and Robot Manufacturer in Robotic Surgeries: Iranian and English Legal Systems
Rahim Mokhtari, Ebrahim Shiravani
an Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government
Mohammadmahdi Rezvanifar, Zahra Salimi
Legal and Administrative Effects of Acquisition on the Registered Status of Real Estate in the Iranian Legal System
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Varaste Bazghale
Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests
Radmehr Rahmani Golafshan
Adoption of Artificial Intelligence-Driven Fraud Detection in Banking: The Role of Trust, Transparency, and Fairness Perception in Financial Institutions in Iran, the United Arab Emirates and Qatar
Abdolmajid Yousefi
The Approach of Judicial Procedure in Restoring Proceedings by Adding Persons to the Proceedings
Rahim Mokhtari, Saeid Shiravani
Criminology of War in the Current Realities and the Need for its Development in Ukraine
Yasser Shakeri